

نوباوری سدیدالسلطنه کبابی در تاریخ‌نگاری خلیج فارس

تقدیم به استاد احمد اقتداری
بمناسبت نودمین سالگرد تولد ایشان

حسام‌الدین نقوی^۱

چکیده

متفاوت و با خردورزی و ذهن جستجوگر خود برای نخستین بار به نگارش تاریخ نوین خلیج فارس همت گماشته است.

کلیدواژه‌گان

خلیج فارس؛ سدیدالسلطنه کبابی؛ تاریخ‌نگاری علمی؛ نوباوری

مقدمه

بنظر بیشتر مورخان و مشروطه‌نویسان، در اواخر دوره قاجار، ایران شاهد گسترش چشمگیر مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فکری با غرب نوین بود. با این حال، این دوره را باید دوره‌یی که از درون دچار فقر اقتصادی و عقب‌ماندگی در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی و بسیاری از کمبودهای ابتدایی در زمینه بهداشت، رفاه و امنیت اجتماعی، بویژه آموزش عمومی، بی‌سوادی و خلاء اندیشه‌های علمی و اجتماعی بود، بشمار آورد. با بیان این توصیفات، جهان‌نگری واقع‌گرایانه سدیدالسلطنه کبابی، در دوره قاجار، یک اتفاق نادر و خجسته در تاریخ مطالعات خلیج فارس محسوب میشود.

عده‌یی مؤیدالاسلام کاشانی، مدیر روزنامه *حبل‌المتین* را نخستین خلیج‌فارس‌شناس و نوشته‌های او را مقدم بر آثار سدید دانسته‌اند (حیبی، ۱۳۸۷: ۳)؛ اما بی‌هیچ‌گونه اغمازی میتوان از نگرگاه علم و فلسفه تاریخ، کبابی را پدر

میراث^۱ مکتوب محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی در شمار نخستین آثار واقع‌گرایانه پژوهندگان ایرانی در زمینه تاریخ خلیج فارس بشمار می‌آید. سدید در نوشته‌ها و پژوهشهای پرشمار خود، به شیوه‌یی علمی و نقادانه به شرح رویدادها و واقعیت‌های موجود در همه ابعاد طبیعی، جغرافیایی و انسانی خلیج فارس پرداخته است. وی در این زمینه، تمامی وجوه مشترک فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهرها و آبادیهای شمالی و جنوبی خلیج فارس را مورد مطالعه قرار داده است. افزون بر این نگاه جهان‌شمول، سدیدالسلطنه برخلاف اینکه دولتمردی قاجاری بود، برای تاریخ‌نگاری این منطقه، تنها به وقایع‌نگاری و گزارش‌نویسی اکتفا نکرده است. او برخلاف منشیان و تاریخ‌نویسان حقوق‌بگیر درباری حکومت‌های پیشین و سلف خود، به تشریح و توصیف دقیق و تجزیه و تحلیل علمی و نتیجه‌گیری از این رخدادها نیز دست زده است. این مقاله به شیوه توصیفی، تطبیقی و تحلیلی، رویکرد نوجویانه این مورخ را با متن کاوی و جستجو در لابه‌لای بیشتر متونی که او از خود بجای نهاده، مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان میدهد که این بزرگ‌منش خودساخته، نه تنها با تمامی اصول و روش‌های تاریخ‌نویسی مدرن؛ بلکه با در نظر گرفتن شاخصترین عناصر و مؤلفه‌های متداول و شناخته شده آن روز (که در متن مقاله بدانها اشاره میشود)، با نگرشی

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه هرمزگان)؛

دنبال کرد.^۳ از سوی دیگر هدف این نوشته، کشف عناصر و نشانه‌هایی است که یکی از معدود خلیج‌فارس‌نویسان یک قرن اخیر ایران در تواریخ و آثار ارزنده خود بکار برده و راه را برای هم‌تاهای خود در این عرصه هموار کرده است.

در مورد این که سدید کیست و میراث مکتوب او چیست، هر چند که تاکنون پاره‌ی نکات تاریک و ناگفته‌هایی از زیست‌نامه و آثار سدید وجود داشته و در پرده‌ی ابهام باقی مانده؛ اما به همت بزرگمردی چون احمد اقتداری، بخش بزرگی از آثار او تصحیح، حاشیه‌نویسی و منتشر شده است. افزون‌برین به‌کوشش سایر پژوهشگران^۴، نوشته‌های نسبتاً زیادی درباره‌ی زندگی او و خاندانش انتشار یافته و وی را از کنج فراموشی و گمنامی به‌درآورده است. از اینرو علاقمندان در این زمینه را بدان نوشته‌ها ارجاع داده و نیازی به تکرار آنها در این مقاله نیست.^۵

پنداره‌های مقاله این است که کبابی نیز همچون سایر مورخان واقعگرا درصد ثابت تمامی رویدادهای ریز و درشت خلیج‌فارس نبوده؛ بلکه آنچه را که بنظرش مهمتر بوده، برگزیده است؛ گزینش او تا اندازه‌ی، بسیار محدود، تابع تمایلات فردی و از منظر ایدئولوژی و گفتمان وی بوده است. این گفتمان که بر فراز یادداشتهای، سفرنامه، مجموعه‌ها، رسالات و کتابهای تاریخی او حضوری قاطع دارند، معیارهای ملی و اجتماعی بوده که مستقیماً منافع مشترک کل جامعه را نشانه گرفته و اکثریت نظریه‌پردازان علوم انسانی در مورد کلیات آن به توافق رسیده‌اند.

۳. در مورد تاریخ تاریخ‌نویسی خلیج‌فارس ر.ک: وثوقی، ۱۳۸۴ و در مورد کتاب‌شناسی خلیج‌فارس ر.ک: همو، ۱۳۸۲

۴. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: حسینی و حسن‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۱۰
 ۵. در مورد زندگی و آثار محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی ر.ک: اقتداری، ۱۳۴۲: ۱۵۴ / مقدمه؛ همو، ۱۳۶۲؛ افشار، ۱۳۶۲؛ باباخانی، ۱۳۹۳: ۵۵-۷۲. بنظر نگارنده این نوشته، مستندترین و دقیقترین پژوهشی است که تاکنون در مورد زندگی و خانواده و کنیه سدید نوشته شده است. دقت و تلاشی که آقای دکتر باباخانی طی چندین سال برای تصحیح و انتشار این کتاب بکار برده است، درخور ستایش جدی است. وی ضمن بازبینی کلیه زیست‌نامه‌هایی که درباره سدید، پدر و پدربزرگ او نوشته شده است، آنها را مورد نقد و سنجش قرار داده و نکته‌های جدیدی را بر آنها افزوده است؛ زارعی، ۱۳۸۸؛ حسینی و حسن‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲-۲۲؛ ملک، ۱۳۹۰: ۲۹۸-۲۹۹؛ بازماندگان خمیری، ۱۳۹۲، دفتر ششم: ۲۲۳-۲۲۸؛ حسن‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵۸۵-۵۹۷؛ اقتداری، ۱۳۸۱؛ یاحسینی، ۱۳۸۱؛ سالیانی، ۱۳۸۱؛ محبی، ۱۳۸۱؛ افتخاریان، ۱۳۸۱

تاریخ‌نویسی نوین خلیج‌فارس دانست؛ اگرچه نوشته‌های درخشان او مانند بندرعباس و خلیج‌فارس و سایر آثارش مدتها به محاق فراموشی سپرده و به گفته روح بخشیان (روح بخشیان، ۱۳۹۲: ۳۲۰) با توطئه سکوت مواجه شد و مورد نقد و ارزیابی منتقدان قرار نگرفت.

درک سدید در زمینه تاریخ علمی و اجتماعی بسیار فراتر از زمانه خود بود. او به افقهای دوردست فکر میکرد؛ به‌گونه‌ی که بنظر میرسد، می‌خواهد از آن قفس تنگ‌وتاریک قرون میانه بیرون آمده و به درون جهان پرتب‌وتاب اکنون و در زمان حال فرو رود. در نگرش او نیز مانند اندیشه‌مندان مدرن، هر تصویری از تاریخ با تجربه خاصی از زمان همراه است؛ نه زمان دایره‌ی؛ بلکه زمان خطی که با تاریخ همراه بوده و در درون آن مستتر است. فهم هرمنوتیک^۱ از تاریخ‌نگاری او نشان میدهد که فرهنگ مشترک خلیج‌فارس نیز مانند هر فرهنگی پیش از هر چیز، در حکم تجربه خاصی از زمان است و هیچ فرهنگ جدیدی ایجاد نمیشود، مگر با ایجاد این تجربه و فرورفتن و همگام شدن با زمان.^۲ بنابراین، وظیفه او نیز مانند وظیفه اصلی هر مورخ واقعی دیگر به‌هیچ‌وجه تغییر جهان نیست؛ بلکه بیش از هر چیز تغییر زمان است و دریافت روح زمانه و دخالت آن در تحقیقات تاریخی. تا روزگار سدید، در تاریخ‌نویسی سنتی در خصوص خلیج‌فارس، تمام توجهات بسوی روایتی از گذشته (تاریخ) بود و توجه به گفتمان زمانه و اقدام به تجزیه و تحلیل وقایع در آثار سدید کمتر بچشم می‌خورد.

با چنین چشم‌اندازی این برنوشته کوتاه، قصدمندانه به منش پیشگامانه تاریخ‌نگاری سدیدالسلطنه کبابی در مورد خلیج‌فارس نظر دارد و بس؛ زیرا پیشینه تاریخی یا تاریخ‌نگاری در خلیج‌فارس موضوع رساله‌ها و مقاله‌های مفصل دیگری است و ردپای این‌گونه نوشته‌ها (از کتیبه‌های آشور و بابل و هخامنشیان گرفته تا یافته‌های باستان‌شناسان و... از چندین هزار سال پیش تاکنون) را میتوان در آنها و نیز در کتابهای متعددی که تاکنون در این زمینه منتشر شده است،

۱. هرمنوتیک، بطور معمول به معنای فن، هنر یا نظریه تفسیر و تأویل متن (گفتاری و نوشتاری) تعریف میشود. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: احمدی، ۱۳۸۳: ۶۱-۲
 ۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آگامبن، ۱۳۹۱: ۱۷۰

میانها؛ یعنی تاریخ/العبر ابن خلدون نیز واژه خبر با همین مفهوم بکار رفته است. با این حال به باور ابن خلدون، تاریخ چیزی فراتر از یک خبر است (ابن خلدون، ۱۳۴۵: ۲).

بنظر او تاریخ در ظاهر اخباری بیش نیست درباره روزگاریها و دولتهای پیشین...؛ اما در باطن اندیشه و تحقیق درباره حوادث و مبادی آنها و به همین سبب تاریخ از حکمت [فلسفه] سرچشمه میگیرد و سزاست که از دانشها [شاخه‌ها]ی آن شمرده شود.

هنگامی که از اندیشه و تحقیق و جستجوی دقیق برای یافتن علل رویدادها گفتگو میشود، به فلسفه تاریخ نزدیک شده و به این موضوع برخورد میکنیم که مورخ تابع «رانه‌ها»^۲ و نیروهای مقتدر ناخودآگاه و استبداد زبانی است و در بسیاری از موارد انتخاب میشود، نه اینکه انتخاب کننده باشد. همین نکته دشواریهای عظیم این شاخه علمی را نشان میدهد؛ زیرا چیزی که مورخ مینویسد، گزینش خود اوست؛ او گذشته را برمیزگرداند، رویدادهایی که قابل مشاهده مستقیم، بازرسی و پژوهش مستقیم نیست؛ موضوعی که بحث و مناقشه‌های زیادی را بخصوص در میان نویسندگان پسامدرن برانگیخته است تا این رشته را فاقد وجاهت علمی قلمداد کنند. یکی از این دانشمندان، میشل فوکو است؛ او با اینکه تاریخ دانایی (معرفت) را با توجه به مفهوم گفتمان تشریح میکرد و خود نیز نقش تاریخ‌نگار را بعهد گرفته بود؛ ولی در این مورد که حد و مرز گفتمانی تاریخ‌نگاری چیست، چندان مطلبی ننوشت.^۳ کیت جنکینز نیز با این پرسش که «تاریخ چیست؟»، تعریف نظریه و عمل در تاریخ را با تعریفی بلحاظ روش‌شناختی آگاهانه شک‌گرا / طعنه‌آمیز کنار هم نهاده است (جنکینز، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۸). به باور او آن تکه از جهان که موضوع (آشکار) تحقیق تاریخ محسوب میشود، نامش «گذشته» است. از اینرو تاریخ به منزله گفتمان در زمره مقوله‌ی متفاوت با مقوله‌ی قرار دارد که درباره آن گفتمان میکنند؛ عبارت دیگر گذشته

چنین گمانه و تصویری از میراث سدید، مجال سربرآوردن پرسشهایی را نیز فراهم می‌آورد. از جمله اینکه آیا سدید در تاریخ‌نگاریهای خود فقط بدنبال گردآوری وقایع بوده یا از خلال آنها به تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز پرداخته است؟

آن‌گونه که از مطالعه آثار سدید برمی‌آید، وی همچون پژوهشگران فرامدرن، اعتنایی به چارچوب نظری و روش، پیش از انجام پژوهش نداشته و ذهن خود را در آن چارچوب به اسارت درنیارده است؛ بلکه این دو عنصر پژوهشی را در هنگام یا پس از انجام پژوهشهای وی میتوان مشاهده و کشف کرد.

برای اینکه این مقاله به سرانجام مطلوب برسد، ابتدا چارچوب نظری مقاله که همانا مفهوم تاریخ علمی و فلسفه تاریخ است، توصیف شده، سپس ویژگیهای تاریخ‌نگاری سدید و انطباق آن با شیوه‌های تاریخ‌نویسی علمی امروز از خلال آثار ارجمند وی - که به گفته‌ی مورد کم‌لطفی فراموش کارانه قرار گرفته‌اند - مورد تحلیل قرار داده شده و سپس نتیجه‌گیری و برآیند مقاله از نظر خواهد گذشت.

۱. علم و تاریخ

واژه یونانی *Historiâ*، دارای چندین معناست که مهمترین آن پژوهش و معنای دیگر آن، دانش، علم، شرح نوشتاری پژوهشها، گزارش، روایت و تاریخ رویدادهاست.^۱ از میان معانی متعدد این واژه؛ معنی پژوهش و شرح نوشتاری پژوهشها برای شرح و بسط این مقاله بسیار باسما بوده و دست ما را برای جستجو در تمام آثار سدید باز میگذارد.

در متون کهن عربی (احمدی، ۱۳۸۶: ۱)؛ کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶) و فارسی و از این میان سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و مفاتیح العلوم ابوعبدالله خوارزمی و کتاب الفهرست ابن‌ندیم و تاریخ طبری و غیره، واژه خبر را بجای تاریخ یا گزارش رویدادها بکار برده‌اند و واژه اخبار جایگزین تاریخ‌نگاری شده است. همچنین در معتبرترین کتابهای قرون

۲. رانه، مفهومی روان‌شناختی است و در این جا منظور این است که استدلال ورزی واقعی از چارچوبها، طرح‌واره‌های تصویری، تصاویر ذهنی، احساسات و روایتها بهره برده و هر ایده و اندیشه‌ی را که به موازات این مفاهیم بنا نباشد، پس‌زده و از ذهن بیرون میکند و مورخ نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۳. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۳۳.

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۱؛ کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶.

رجوع کرده و خود بصراحت ذکر میکند که اسناد این یا آن واقعه نزد من یا خانواده من موجود است؛ یعنی سندهایی که ارائه میکند، معتبر و دست اول است؛ درست مانند روایت بیهقی از قتل حسنک وزیر یا روایت فتح قلعه الموت بوسیله عطاملک جوینی.

گرایش عمده سدید، مانند بیشتر تاریخ‌نویسان قرن بیستم، نگارش تاریخهای اجتماعی است. در این دوره، جنبش اصلاح‌طلبانه مشروطیت، درک جدیدی از تاریخ را فراهم آورده بود. در آن زمان آنچه اهمیت داشت، سرشت مشترک و اکنشها نسبت به واقعیت‌های تاریخی بود و یکی از مهمترین آنها استعمار بود. گفتمان یا واقعیت، دیگر موضوع ترقی و پیشرفت بود که مجموع این واقعیتها این آگاهی تاریخی را در سدید ایجاد میکند تا تغییری در نگرش تاریخی خود ایجاد کرده و با زمان و زمانه همپا و همزمان شود.

تاکنون سدیدپژوهان، تاریخ‌نگاری او را بعنوان گفتمان، مورد تحلیل جدی قرار نداده‌اند. هسته مرکزی گفتمان سدید در تاریخ‌نگاری، حفظ حدود و مرزهای جغرافیایی، حفظ میراث فرهنگی و تاریخی و نام خلیج فارس، مبارزه با استعمار و توجه به منافع ملی و برون‌رفت از تاریکاندیشی و زمان چرخشی و نوجویی و نوباوری است که برای نخستین بار در این مقاله مورد سنجش قرار میگیرند.^۱

در میان مورخین و خلیج‌فارس‌نویسان معاصر، حمید اسدپور این موضوع را مورد تأکید قرار داده است. وی در کتاب *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه* (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۳)، پرسشی را مطرح میکند، مبنی بر اینکه در مجموع تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره در تاریخ ایران و البته در پیوند با مسائل خلیج فارس، کدام گفتمان غلبه داشته است؟ منظور از گفتمان در این بررسی، اشاره به الگوی حاکم و روح غالب در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و ساختار قدرت واقعی عمل‌کننده در این مناسبات است.

و تاریخ چیزهای متفاوتی هستند. آنها درهم گره نخورده؛ بلکه گذشته و تاریخ مستقل از یکدیگر و شناورند (همانجا). گذشته، سپری شده است. تاریخ چیزی است که مورخان هنگام کار آن را میسازند؛ اما برخلاف نظریه‌های نسبی‌گرایی افراطی و شک‌باورانه پسامدرن باید گفت که تاریخ یک علم است. چنان تصوراتی ناشی از فقدان شناخت کافی نسبت به جامعه، ناتوانی علوم انسانی در تبدیل شدن به علمی حقیقتاً تجربی و عدم امکان انجام تجربه‌های آزمایشگاهی، مانند علوم طبیعی است. تاریخ علم، تجربه‌های گذشته بشری است؛ علم تحول است، هرچند که علمی دقیق چون فیزیک و علمی توصیفی و انتزاعی چون علم تشریح نیست. کار تاریخدان نمایانن یک نظم تاریخی در روند تاریخ انسان است (چایلد، ۱۳۵۴: ۱-۱۱).

به گفته کالینگوود در بحث مفهوم کلی تاریخ و فلسفه تاریخ، تاریخ نوعی تحقیق یا پژوهش است:

نکته این است که نوعاً به آنچه که علوم مینامیم، تعلق دارد؛ یعنی به صورتهایی از اندیشه که بوسیله آنها پرسشهایی را مطرح کرده و تلاش کنیم به آنها پاسخ بدهیم. فهمیدن این نکته مهم است که علم بطور کلی این نیست که آنچه را از قبل میدانیم، جمع‌آوری و آنها را بوسیله این یا آن طرح مرتب کنیم؛ بلکه به این معنی است که محکم به آن چیزی که نمیدانیم، بچسبیم و بکوشیم آن را کشف کنیم... علم، پی‌بردن به چیزهاست و به این معنی تاریخ علم است. تاریخ چه چیزی را کشف میکند؟ من پاسخ میدهم کردارها را: افعال آدمیان که در گذشته انجام شده است (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

با تمام این مناقشات و هماوردهای فکری تردیدی نباید بخود راه دهیم که کارها و تاریخ سدید (هرچند که او تحصیلات آکادمیک نداشته است)؛ به روش علمی و انطباق آن با کتابهایی که با این روش نوشته شده و او از نظر گذرانیده، انجام شده است. همچنین با توجه به نشست و برخاست او با اساتید و علمای متجدد آن روزگار، روش تاریخ‌نگاری او براساس اصول علمی تاریخی بنا شده است. سدید در بسیاری از موارد به مشاهده مستقیم پرداخته یا برای پاسخ به پرسشهای خود دست به مسافرت زده و ناظر عینی روایت‌های تاریخی خود است. وی همچنین به اسناد و شواهد معتبر

۱. برای آگاهی بیشتر، در مورد گفتمان عصر سدید، رک: نقوی، ۱۳۹۳

میگیرد، شیوه‌های خاصی بکار برده میشود؛ اما موضوعی که در تمامی دانش‌های بشری مشترک و عام است، بصورت اختصاصی عبارت است از (نبوی، ۱۳۵۰: ۸):

طرح مسئله، جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی اطلاعات، مطالعه اطلاعات و تشخیص روابط علی، تعیین اعتبار و نقد فرضیه‌ها، تهیه گزارش و نتیجه‌گیری.

در ادامه مقاله مشاهده میشود که سدید، این مورخ خود ساخته، بی‌آنکه مراحل تحصیل آکادمیک و دانش نوین را طی کرده باشد، چگونه و با اندکی تفاوت، کمی بیشتر یا کمتر، این مراحل را در کارهای خود رعایت کرده و بکار بسته است.

۱.۲. واقع‌گرایی

برای تمام کسانی که به خداوند بزرگ اعتقاد دارند (سوره بقره، آیه ۴۳)، واقعیت در عالم به دو دسته تقسیم میشود: «واقعیت غیب» و «واقعیت شهود» (زاهد، ۱۳۸۸: ۳۲۸). در دنیای غرب پس از رنسانس و در ایران در دوره مشروطیت، علما و دانشمندان بر واقعیت مشهود تأکید کردند؛ آنان با هجوم به موهوم‌پرستی و خرافات قرون وسطی و تبلیغ آن، بعنوان دین الهی، برای پرهیز از خرافه‌پرستی و جمود فکری، واقعیت غیب و بررسی آن را از حیطة علم کنار گذاشتند و سدید که آشخور فکریش از همین سرچشمه‌ها نشأت میگیرد، تاریخ‌نگاری علمی خود را با اتکا به واقعیت مشهود بنا نهاده است.

این حکایت را عقیده ندارم، بی‌اصل است، ناقل هر که باشد؛ ولی حسام السادات کفالت کارگزاری عباسی و لنگه در سال هزار و سیصد و بیست و نه [هق] برای امری از امور معلوم، طرف جروناات حرکت نمودند. بعد از مراجعه صحبت داشتند که قریب گنبد سرخ، صدای ناله‌یی مسموع افتاد. هرچه جستجو نمودیم، صاحب ناله وجود خارج پیدا نمود. بعد چشم‌نشینان آنجا عنوان نمودند که هرکس در نقطه‌یی کشته شود، بعضی از شبها در آنجا صدای ناله مسموع میشود و حکایت گنبد سفید و گنبد سرخ^۲ بدین‌گونه مینماید که در ازمنه سالفه، دو برادر بودند و شتر زیاد داشتند. یکی از آنها سفری نمود و برادر دیگر

توجه به این الگو هم میتواند در مسائل خرد و جزئی تاریخی و اجتماعی و هم در امور کلان مورد توجه باشد. بیان نمونه‌یی از مسائل مطرح در این شیوه مطالعه، همانا اشاره به موضوعات مشترک فرهنگی خلیج فارس و پیوستگی آن با تحولات اقتصادی و اجتماعی منطقه‌یی و جهانی است. با این شیوه تحلیل گفتمان، بهتر میتوان به علم و فلسفه تاریخ و از خلال آن به درک سدید از مسائل خلیج فارس نزدیک شد.

در فلسفه تاریخ (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۷)، میان رویداد و فهم به معنای درک و توضیح رویداد تفاوت گذاشته میشود. این تمایز به ما کمک میکند تا از چنگال نسبی باوری رادیکال، خلاص و به آنچه نسبی‌گرایی معرفتی نام‌گرفته، نزدیک شویم. تاریخ‌نگاری فقط ثبت رویدادها نیست. تحلیل و سنجش رخداد، کشف علتها و تعمیم نتایج آن، همچون وظایف تاریخ‌نگار پیش‌روی او قرار میگیرد.

به گفته کالینگوود (کالینگوود، ۱۳۸۹: ۲۹۳)، در دوره‌یی از تاریخ برخی از مسائل تا حدودی، ملکه ذهن و موضوع آن زمان میشوند و توجه خاص اندیشه‌مندان مشتاق خدمت به عصر خویش را میطلبند. این موضوعات [گفتمانها] تغییرپذیرند و از عصری به عصر دیگر مطابق با خصوصیات ویژه حیات و تفکر آدمی در آن عصر تغییر می‌یابند. آیا میتوان این تغییرات را در آثار سدید نیز مشاهده کرد؟ او نویسنده‌یی بورکرات و خشن است؛ ولی در کارهای او لحنهای تأثیربرانگیز نیز یافت میشود، بویژه هنگامی که دلهره هجوم و دسیسه کشوری بیگانه در کار است. به هر حال وقتی در سنین میانسالی یا کمال^۱، آثار کلاسیک سدید را برای چندمین بار میخوانیم، میتوان این تغییرات را احساس کرد؛ اما کتابهای او که در حدود یک قرن پیش به نگارش درآمده، تغییر نکرده است؛ بلکه این ما هستیم که به افقهای تازه و خوانش جدیدی از او دست یافته‌ایم.

۲. ویژگیهای تاریخ‌نگاری سدید

در پژوهشیهایی که در هر کدام از شاخه‌های علوم انجام

۲. گنبد سفید و گنبد سرخ دو آبادی از توابع روستای شمیل واقع در حدود هفتاد کیلومتری بندرعباس

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: کالینگوود، ۲۱: ۱۳۸۹

یافته، چون نیک نظر نمود[م] آن هیکل زیبا، صخره صماء^۱ بود. عبایی که از سطح دریا به قعر رسیده بدان پیچیده شده و عبا را گرفته و پوشیدم و از دریا خارج شده، اهل کشتی تصور کردند آن زن مرا هلاک کرده، برای هلاک دیگران آمده؛ همه خود را به دریا انداخته، چون عبا را افکندم را شناخته به کشتی مراجعت نمودند. از همین حکایت روشن شود، همه مشاهدات جن و انسان، قوه وهمیه است[که] مجسم شده و بنظر غواص آید و ممکن است گاهی غواص از خوف هم تلف شود(سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۰۸: ۷۶-۷۷).

۳. ۲. گردآوری سیستماتیک اطلاعات و نقد مستند و مکتوب آثار پیشینیان

سدید، مسلمان مؤمن و معتقدی است. وی این موضوع را هم در سفرنامه خود (که شرح زیارت او و خانواده‌اش به مشهد مقدس و کربلای معلی است) و هم در کتاب *مفاتیح الادب فی تاریخ العرب*، در شرح احداث تکیه شیعیان در مسقط که شهری عمدتاً سنی‌نشین بوده به همت پدر بزرگ خود و نیز شرح اداره آن تکیه با کمک مالی پدرش با افتخار یاد کرده است. با این حال او فردی واپسگرا نیست؛ گذشته و سنت برای او الزاماً چیز مقدسی نیست و هر نقل و موضوع و مطلبی را از گذشته، بدون ارزیابی و بدون چون و چرا نمیپذیرد. شاهد این ادعا کتاب *بندرعباس و خلیج فارس* اوست. در این کتاب، سدید از قدیمی‌ترین مطالب و گزارش پیشینیان در مورد خلیج فارس (گزارش نثارک، سردار اسکندر)^۲ تا تحقیقات معاصران خویش را مورد استناد قرار داده و در این باره هم کتاب‌شناسی مفصلی ارائه کرده است تا کار پژوهشگران پسین خود را نیز هموار کند. او در کتاب *بندرعباس و خلیج فارس* مینویسد:

«از کتابهایی که هنگام نگارش موجود بود، آنچه به هر مز و عباسی تعلق داشته، خلاصه آن در اینجا نگاشته، تطبیق و افتصاد و تنقید خواهد نمود...» (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۲۶۱) و همان‌گونه که خود میگوید فقط به نقل و نگارش این یادداشتها اکتفا نکرده و آنها را مورد نقد و سنجش

تعشق به اهل خانه آن برادر پیدا کرد و آن عقیفه دعوت برادر ضجیع خود را قبول ننمود. بعد از مراجعت، شرح حال را زوجه با زوج خود توضیح کرده، برادر فوراً اقدام به قتل برادر خود نمود؛ برادر خائن در موقع جان‌سپاری غلط شماری کرده به برادر خود گفت: بیهوده مرا کشتی؛ گناه از آن زوجه تو بود نه از آن من و جان سپرد و آن برادر از توهمات خیالی، فوراً به خودکشی اقدام نمود. پس از آن مقبره برادر خودکش را گچ، آن را با شیر شترهایی که داشتند ممزوج کرده و به گنبد سفید نامیده و مقبره برادر خائن را شترانشان کشته و با خون شتر، گچ را ممزوج نموده و گنبد را بنا کردند و گنبد سرخ موسوم داشته‌اند. العهده علی الراوی(سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۳۳).

این‌گونه رویکرد انتقادی و ضرورت پالایش گزارشات و وقایع تقریباً در تمامی کارهای پژوهشی سدید خودنمایی میکند؛ زیرا اگرچه گوینده فردی معتبر بوده و از طبقه حاکمه است؛ ولی سدید گفته‌های او را با این عبارت که عقیده ندارم، بی‌اصل است و ناقل هر که باشد، نمیپذیرد.

۲. ۲. موهوم‌گریزی، خردورزی و اتکا به استدلال عقلی در امور تجربی

تجربه‌های اندیشه‌ورزی اندیشه‌مندان در گشودن افقهای نو(سیدباقری، ۱۳۸۸: ۳۶۵)، ارزشهای زیادی دارد، بویژه آنگاه که همراه با عقل و با تکیه بر سنت و پشتوانه بومی شود. خردورزی، همواره نشان و نماد انسانیت بحساب آمده و یکی از ویژگیهای تفکر مدرن و معاصر نیز هست. به باور سدید نیز با اتکا به جهان‌بینی نوین، انسان با اندیشیدن و ژرفکاوای در رویدادهای پیرامون خود میتواند به افقهای نو و ساحت‌هایی دست یابد که دیگران برای رسیدن به آن ناتوان مانده‌اند. او در کتاب *صید مروارید* در رد اعتقادات خرافی، اسطوره‌بی و موهوم‌پرستی روایتی را به این شرح بیان میکند:

غواصی صحبت نمود که یک‌بار هیکل زنانه[یی] مشاهده کرده که خود را به عبا پیچیده بود. غواصان دیگر چون شنیدند، برای تحقیق یکایک به دریا رفتند، زن عبا پوشیده را مشاهده نمودند. حاکی گوید پس از آنها من خود در صدد تحقیق برآمدم، به دریا رفته، همان هیکل را مشاهده، جرئت به خود داده نزدیک هیکل شده، او را بغل گرفته دست خود را مجروح

۱. صماء: سخت و محکم، فرهنگ یک جلدی معین

۲. نثارک سردار اسکندر به «نخستین گزارش‌نویس خلیج فارس» معروف است و سدید نیز در کتاب خود مشاهدات او را از زبان صنیع‌الدوله در کتاب *مرآت‌البلدان* گزارش داده است.

بوده‌ایم، نشنیده‌ایم. راستی که سدیدالسلطنه یکی از اشخاص ذی‌قیمت است که متأسفانه قدر او مجهول است... (فرامرزی، ۱۳۸۴: ۳۲۳).

در مورد دقت در تحقیق و ضبط نقادانه رویدادها و عمق دانش و معلومات او نشریات هم‌روزگار او در خارج از ایران نیز داد سخن داده‌اند.^۱ سیدحسین تقی‌زاده در شماره نهم از سال دوم، فروردین ۱۲۹۱.ش در روزنامه کاهوه که در برلین آلمان منتشر میشد، درباره رساله‌ی که سدید در مورد سیدجمال الدین اسدآبادی-معلم هندسه و علوم جدید سدید و هم‌نشین پدر او- نوشته و به آن روزنامه فرستاده است، مینویسد:

اینک مکتوب بسیار مهم و مفید از بندرعباس از جناب میرزا محمدعلی خان سدیدالسلطنه در این باب رسیده که کمال اهمیت را دارد... خود سدیدالسلطنه چنان که از نگارش و ترتیب عالمانه وی معلوم میشود از جمله فضایل متتبع و نقادی میباشد که بندرت و مخصوصاً بدبختانه در گوشه‌های ایران پیدا میشود... از نوشته‌های مشارالیه پیداست که به طریقه انتقادی ضبط و تحقیق علمای سلف مشرق و معاصرین فرنگی آشناست و در تواریخ و اسماء دقت لازم را دارد... (تقی‌زاده، ۱۲۹۱).

۲. ۵. اهمیت دادن به جغرافیا به معنای تاریخ

سدید در زمره تاریخ‌نویسانی است که به علم هندسه و نقش زمینه‌های جغرافیایی در نوع و شکل اجتماعات بخوبی واقف است. وی با علم به اینکه عوامل جغرافیایی همواره نقش خود را در تاریخ ایفا میکنند، بعنوان یک تاریخدان متوجه دخالت این عوامل در حیات اجتماعی ساحل‌نشینان خلیج فارس شده است. با این حال او پی‌برده بود که جغرافیا، بعنوان تنها عامل تعیین‌کننده و علت وجودی تغییرات اجتماعی نیست. از اینرو وی به جغرافیا و طبیعت، بعنوان یک زمینه و بستر در روند تحولات تاریخی نگاه کرده است. به‌همین خاطر به هر کاری که دست زده و هر باب تاریخی را که گشوده است، ابتدا محیط طبیعی (زمین، کوه، دریا، فاصله‌ها، نحوه استقرار اراضی)، نوع آبیاری (منابع تأمین آب، نوع کشت و زرع)، شیوه‌های ماهی‌گیری (انواع ماهیها و

قرار میدهد؛ چرا که میداند نقد، همپا و همتای خردگرایی است و زمانی میتوان اندیشه‌ی را به نقد کشید که خود خردمندانه در آن تأمل کرده باشیم؛ بعنوان مثال او در مورد گفته‌های کلنل راس، کنسول ژنرال انگلیسی، در خلیج فارس مینویسد:

ما در کتاب مفصل خود ثابت میکنیم که سیراف نه بندر طاهری است، به عقیده مورخین و نه بندر چارک است. به عقیده کلنل راس، مقر سلطنت بنوقیصر جزیره قشم بوده، سیراف هم خاک آل حرم حاشیه است که بندر نابند و توابع آن از نخل تقی و عسلویه و بیدخان و سرو باش (نگارنده را هم در خصوص قشم و قیس با جناب دریابگی عقیده‌ام توأم است). نگارشات وصف را که خلاصه کرده‌ام. هرگاه بدقت کسی خواند، این عقیده را تصدیق کند (همان: ۲۸۸).

۲. ۴. دقت، تیزبینی و اعتبارسنجی داده‌ها

میدانیم که سدید قبل از چاپ کتاب صید مروارید خود در سال ۱۳۰۸، آن کتاب را در سال ۱۳۰۶ به نشریه تقدم سپرد. این نشریه به سردبیری احمد و عبدالرحمن فرامرزی اداره میشد.

نشریه تقدم روزی به انتشار پرداخت که نشریه‌هایی مانند *ایران‌شهر و آینده* (تهران) دست از انتشار کشیده بودند و هنوز مجله‌ی، مانند مهر (تهران) در افق مطبوعات ایران طلوع نکرده بود که *جانشین کاهوه*، *ایران‌شهر و دانشکده* شود. در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷، مجله دیگری که بر پایه آنها [تقدم] در زمینه مباحث تاریخی و اجتماعی برسد، نبود (افشار، ۱۳۸۴: ۱۰).

برادران فرامرزی در مورد ژرفانگری، دقت، تیزبینی و احاطه او بر موضوعی که درباره آن، دست به تحقیق زده بود، چنین نوشته‌اند:

اخیراً جناب آقای میرزا علی محمد [محمدعلی] خان سدید (سدیدالسلطنه سابق)، مقیم بندر بوشهر رساله بسیار نفیسی به نام *المناس فی احوال الغوص و الغواص* تألیف کرده و تحقیقات راجع به مروارید کرده‌اند که میتوان گفت تاکنون چنین مجموعه‌ی [ی] در این موضوع تألیف نشده است. این رساله بقدری دارای اطلاعات دقیق و عمیق است که خود ما که سالها در بحرین که مرکز صید مروارید است زیسته و شب و روز با اشخاصی که مباشر این کارند، مباشر

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد رویکرد پژوهشگران غیرایرانی به آثار سدید، ر.ک: مارتین، ۱۳۸۹

۶.۲. حفظ منافع ملی و استعمار ستیزی

در بیشتر نوشته‌های سدید به اهمیت حضور بیگانگان در خلیج فارس و اهداف استعماری آنها هم بصورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم اشاره شده است. این نوشته‌ها در کتاب *سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس* اهمیت بیشتری یافته است، بخصوص حضور انگلیسیها در خلیج فارس که از زمان شاه‌عباس صفوی آغاز و تا روزگار او همچنان ادامه داشته است. این حضور که در ابتدا برای بهره‌برداری و گرفتن امتیاز و انحصارات تجاری بود از زمان کشف نفت در جنوب ایران پررنگتر شد و به همین دلیل در آثار سدید نیز بشکل ویژه‌یی خودنمایی میکند.

حضور کمپانیهای نفت انگلیس در خلیج فارس و برخورد آنها با مردم بومی منطقه، بویژه بختیارپها و لرها بر سر مالکیت و اجاره اراضی در مسجسدسلیمان (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۱، ۱۵۷-۱۶۴)، همچنین ضعف نیروی دریایی ایران در مقابل دولت عثمانی و حکومتهای استعماری، عواملی بودند که سدیدالسلطنه را بر آن داشت که بدلیل اهمیت و تأثیر موضوع اخیر در حیات سیاسی - اقتصادی خلیج فارس و نیز دل‌نگرانیهای او از این ماجرا، دست به تحلیل علمی و واگشایی موضوع و کشف علل این روابط بزند و به تاریخ‌نگاری صرف اتکا نکند.

او علت افزایش توجه اروپاییها به نفت را اهمیت این انرژی ارزان‌قیمت در آن دوره، برای به گردش درآوردن ماشینهای صنعتی اروپا دانسته و افزایش نفوذ و برتری جویی آنها را در خلیج فارس با حضور انگلیسیها در کانال سوئز مقایسه کرده است. او همچنین به نفوذ و دست‌اندازی بریتانیا به بندر گوادر که مشغول تهیه نقشه و تعیین حدود مرزی بلوچستان برای جدا کردن این بندر از خاک ایران و این موضوع که دولت مرکزی ایران، حتی حق‌الزحمه نقشه‌بردار ایرانی را نیز نداده و آن را بی‌اهمیت تلقی کرده تا اینکه پدر سدید از جیب خود مقداری از هزینه نقشه‌برداری را پرداخته است، نیز اشاره و این سیاست را مورد سرزنش قرار میدهد (همان: ۳۰۱).

در کتاب *سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای*

جانوران دریایی)، نوع کشت و زرع، انواع رستنی‌ها، مقیاسها و وزنها و تعیین قواعد حساب اوزان^۱، اندازه‌گیری و طول و عرض جغرافیایی شهرها... را توصیف کرده است؛ نمونه آن توصیف شهر بندرعباس از زبان اوست که در جای دیگر مقاله بدان اشاره شده است.

توصیف و تشریح محیط جغرافیایی، وظیفه یک تاریخ‌نگار است که نقش چشمگیری در بیان حوادث تاریخی دارد. جغرافیا و هندسه را، بعنوان علمی نوین در ایران یا به قول خودش «یکی از علوم جدیده» از رجل مورد علاقه‌اش؛ یعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت و سپس به تکمیل دانش در این زمینه پرداخت.^۲

جغرافیا و هندسه از نظر فلاسفه کلاسیک، به تمام معنا یک علم بود و کمال مطلوب «نظم» را، در خود متجلی میساخت (چایلد، ۱۳۵۴: ۶۱)؛ اما بنظر کبابی این‌گونه جغرافیامداری و یا تاریخ‌نگاری جغرافیایی برخلاف نظر فلاسفه کلاسیک، قدرت پنهان در پس تاریخ نیست؛ نگاه او ناسوتی است، نه لاهوتی؛ او نظم دورانی تاریخ طبیعی را نمیپذیرد و شاید میدانند که تاریخ به‌هیچ‌وجه دقیقاً تکرار نمیشود. دیدگاه او نسبت به طبیعت و جغرافیا در بستر دانش نوین شکل گرفته است.

احمد اقتداری که از دیگر مورخان و پژوهندگان خلیج فارس و از سدیدشناسان برجسته است و ما شناخت سدیدالسلطنه کبابی را مدیون او هستیم، مینویسد: «... سدید هفتاد و یک سال زندگی خود را در خدمات دیوانی و دولتی و مسافرتها تحقیقی و تتبع در مسائل مختلف خلیج فارس، بخصوص جغرافیای تاریخی بندرها و جزیره‌های آن به سرآورد...» (اقتداری، ۱۳۶۲: ۲۱). همو در همایش سدیدالسلطنه کبابی و خلیج فارس که در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس برگزار شد، به تفصیل در این مورد سخن گفته است که علاقمندان به این موضوع میتوانند به مجموعه مقالات آن همایش مراجعه کنند.

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۱۴ هـ.ق: ۵۴-۵۶
۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۶۲: ۱۶۰.

با سویهٔ خشن و سلطه‌طلبانهٔ بورژوازی غرب و مشاهدهٔ مداخله قدرتهای استعماری در ایران که در جنوب و خلیج فارس عینی‌تر و گسترده‌تر بود، با توجه به گرایشهای نوجویانه و احساسات میهن‌دوستانه و شعور و آگاهی ملی، دخالت بیگانگان، بویژه انگلستان را برنمی‌تابد و به آن واکنش نشان می‌دهد. وی همچنین بی‌تفاوتی حکومت مرکزی ایران را نیز در مورد مسائل مهم و حیاتی خلیج فارس، به باد انتقاد می‌گیرد.

... اما صرف‌نظر از این ملاحظات تاریخی - اجتماعی به گمان ما ارزش واقعی [آثار سدید] در دهن کجیهای اداری - سیاسی ظاهراً بی‌طرفانه‌یی است که در ناخودآگاه این نوشته‌ها نهفته است. او که دولتمردی قاجاری است از نزدیک شاهد مداخلات خارجیها و بی‌خیالی و بی‌عرضگی دولت مرکزی و بر باد رفتن مال و عرض و آبروی مملکت بوده، هر جا که فرصت یافته و توانسته است، عنان قلم را رها کرده و به هر مناسبت، نیشی زده است... (روح بخشیان، ۱۳۹۲: ۳۲۳).

گزارشهای نماینده (بالیوز) بریتانیا در بوشهر، بخوبی بیانگر این موضوع است و نشان می‌دهد که آنها از صراحت‌گفتار و نوشته‌های سدید بیمناک بوده و جاسوسان آنها اعمال و رفتار سدید را تحت نظر گرفته‌اند^۴؛ بعنوان نمونه کاکس نمایندهٔ بریتانیا در گزارشهای خود مینویسد:

موسیو بلایف، نایب کنسول روسیه در روز چهارم اوت وارد بوشهر گردید... چنین می‌نماید که با ورود به بوشهر، نخستین اقدام او دعوت از هوادار قدیمی‌اش، سدیدالسلطنه، نمایندهٔ کنسولی روسیه در بندرعباس به بوشهر باشد... اکنون اخباری دریافت گردیده دال بر اینکه قرار است در کمیسیون ترکیه، ایران بعنوان نایب کمیسیون روسیه منظور گردد (کاکس، ۱۳۸۶: ۱۱۶ و ۳۲۸ و ۳۳۲).

اگرچه سدید در تحلیل و افشای سیاستهای استعماری انگلیس، نگاهی جهان‌شمول داشته و نیاز به سوخت، بازارهای جدید و اعمال انگلیسیها را در هند، مصر و خلیج فارس از نظر می‌گذراند؛ اما نسبت به موضوعات جزئی نیز بی‌تفاوت

عمان در صد سال پیش^۱ همانگونه که احمد اقتداری و سایر پژوهندگان خلیج فارس بارها بدان اشاره کرده‌اند، سند مهمی در مورد مالکیت ایران بر سه جزیرهٔ تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی و شهادت‌نامهٔ شیوخ این جزیره مبنی بر اینکه هیچ‌گونه حاکمیتی بر این جزایر نداشته و آنها خود را تابع حکومت ایران میدانند، ارائه شده است. بدلیل اهمیت مسئله، سدید شهادت‌نامه را در کتاب *مجموعه النظرایف* با تأکید بر اینکه شهادت‌نامه را پدر او از مشایخ اعراب گرفته، آورده است.^۲ در این‌گونه موارد، سدید سطحی‌نگر نیست؛ شعار نمی‌دهد؛ بلکه شعور قلم را نگه داشته و موشکافانه و بصورت علمی واقعیتها را بررسی میکند. میدانیم که تاریخ‌نگاران مدرن در نگارش تاریخهای سیاسی و اجتماعی سه کار انجام می‌دهند یا دست کم از آنان انتظار می‌رود که به پرسشهایی پاسخ دهند که با این سه کار در ارتباط هستند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶):

۱. برخی وقایعی را که روی داده‌اند، باز می‌گویند و چگونگی آن وقایع را تشریح میکنند؛

۲. برخی میکوشند که علت وقایع را توضیح دهند؛

۳. در مواردی هم تلاش میکنند تا روشن کنند که آن وقایع به چه نتایجی منجر شده‌اند.

سدید نیز همان‌گونه که از او انتظار می‌رود به هر سه پرسش پاسخ می‌دهد. وی دلیل مطرح‌شدن این ادعا - مالکیت سه جزیرهٔ مزبور در عصر قاجار - را افزایش نفوذ و قدرت انگلستان در مستعمره‌اش، هند میدانند تا خلیج فارس و این جزایر گمنام را در مسیر تجارت انگلستان قرار داده و عامل واگذاری قراردادهای متعدد به انگلستان شود. وی یکی از دلایل دیگر آن را ضعف حاکمیت مرکزی حکام قاجار در اواسط حکومت قاجار میدانند که زمینهٔ حضور بیگانگان را در خلیج فارس فراهم کردند.^۳

کبابی در کشاکش تحولات اجتماعی روزگار خود در برخورد

۱. سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۷۱: ۳۷۲-۳۷۵.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: همو، بی تا: ۱۹۹-۲۰۳.

۳. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۱۶ و حسن نژاد، ۱۳۹۰: ۵۹۷-۵۸۵.

۴. برای آگاهی بیشتر، نقوی، ۱۳۹۳: ۲۶۵.

موضوع اشاره کرده‌اند، نمونه بارز آن اندازه‌گیری طول و عرض جغرافیایی و حدود اربعه شهرستان بندرعباس است. در این مورد می‌بینیم که وی با توجه به اطلاعات جغرافیایی و علاقه‌ی که به علوم، ریاضی و هندسه داشته با چه وسواسی جایگاه‌های دقیق اماکن را بررسی و مساحی کرده است.^۱

افزون‌برین، اندازه‌گیری و مسافت راه‌ها، شرح دقیق راه‌های دریایی و زمینی، میزان دقیق حقوق کارکنان دولت و کنسولگری و حاکمان محلی، نرخ ارزاق عمومی، کرایه چهارپایان و حمل و نقل عمومی؛ اعم از قدیم و جدید، مانند بلیت هواپیما، بلیت درجه یک و دو کشتیها... همگی اطلاعات دقیق و دست‌اولی هستند که براساس مشاهدات عینی سدید پدید آمده‌اند؛ او این دانش عینی خود را بی‌دریغ در اختیار خواننده قرار میدهد و خواننده نیز میتواند با اعتماد و اطمینان کامل از آنها بهره‌برداری کند؛ زیرا میداند که سدید از نقطه نظر اخلاقی، آنقدر شایستگی دارد که ما را فریب ندهد.

او دانشمندی نیست که در توصیفها و موضع‌گیریهای خود مبالغه‌گویی کند؛ از جانب‌داری و زودباوری پرهیز میکند و همین تاریخمندی و حقیقت‌باوری است که زمینه‌های استعلا و برشوندگی آثار او را بویژه درباره خلیج فارس فراهم کرده است.

۸.۲. گرایش به تحلیلهای علمی و تاریخی و دفاع منصفانه و مستدل و تأکید بر بیطرفی

اگر سدید را نیز همچون ابن‌خلدون که «پدر جامعه‌شناسی» نام گرفته است، چنان که دیگران نیز پیشنهاد داده‌اند، «پدر خلیج‌فارس‌شناسی»^۲ بدانیم، سخن به‌گزارف نگفته‌ایم. او در بیشتر وقایع مهمی که روایت میکند، دست به اظهار نظر شخصی، تجزیه و تحلیل میزند و دلایل، علت و نتیجه وقوع رویدادها را نیز بیان میکند. او در کتاب *مفاتیح‌الادب*...، بویژه در مورد یکی از رویدادهایی که هنوز بدرستی مورد واریسی تاریخی و موشکافی قرار نگرفته؛ یعنی اجاره به‌ظاهر عوارض

نیست؛ بعنوان نمونه، دخالت انگلیسیها را در اداره شهرداری بندرعباس که از نظر روح‌بخشیان نیز پنهان نمانده، این‌گونه به باد انتقاد میگیرد:

اواخر سلطنت احمدشاه، شجاع نظام، نایب حکومت بندرعباس، طبق دستور کونسولگری انگلیس، اداره بلدیهای در بندرعباس تأسیس شد و تعرفه ذیل برقرار و نام عوارض شهری به موقع اجرا گذاشته شد. حقیقتاً اداره بلدیهای که تحت نفوذ اقتدار خارجه تأسیس نموده، به‌هیچ‌وجه حکومت و ملت قدرتی در مداخله به امور آن نداشته، عواید آن بعد از مصارف توسط کونسولگری انگلیس در بانک ودیعه گزارده، رئیس بلدی مطیع کونسولخانه بوده... (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۵۴۱).

۷.۲. سفرهای علمی و مشاهده مستقیم

تعهدات اجتماعی، شرافت حرفه‌ی، سرشت تاریخ‌نگاری و رفتار بزرگ‌منشانه سدید باعث میشود که وی برای انجام پژوهشهای تاریخی، رنج سفر را بر خود هموار کند تا بدین‌وسیله تنها به منقولات و اخبار پیشینیان اکتفا نکند.

او برای تدوین کتاب *تاریخ مسقط و عمان*، به سفارش مظفرالدین شاه، شخصاً به آن منطقه عزیمت میکند و مشاهدات خود را بشکلی مستند به رشته تحریر درمی‌آورد. جالب است، بدانیم سدید پس از انجام این مأموریت و تدوین کتاب، بازهم دغدغه علمی دارد. وی بی‌درنگ در پی تکمیل و بارورتر کردن نوشته‌های خود برمی‌آید و تا مدتها بعد از مرگ مظفرالدین شاه نیز به ادامه تاریخ‌نویسی در مورد مسقط و عمان میپردازد؛ پیوسته‌های جدیدی را بدان اضافه میکند تا ناگفته‌ی را از قلم نینداخته باشد و این هم از نشانه‌های شرافت علمی و خویشکامی‌های اوست. تاریخ‌نویسی او صرفاً برای اجرای دستور حکومتی نیست. هدف او کشف واقعیت است؛ زیرا چنانکه ملاحظه شد حتی در همین کتاب نیز به انتقاد از عملکرد دولت در خصوص اجاره‌دادن بندرعباس و مضافات آن همت گمارده و به ملاحظات سیاسی تن در نداده است.

از این موضوعات کلی که بگذریم، سدید در تک‌نگاریها و موضوعات کوچک و بیش یا افتاده نیز به مشاهده مستقیم دست میزند. چنانکه قبلاً هم اشاره شد و دیگران نیز به این

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۲ و ۱۵۲-۱۶۴ و ۷۰۴
 ۲. افتخاریان در شرح احوال و خلاصه آثار سدیدالسلطنه کبابی در مجموعه مقالات همایش *سدیدالسلطنه کبابی و خلیج‌فارس*، سال ۱۳۸۱ این پیشنهاد را داده است.

بدینسان سدید درک سیستماتیک خود از وقایع اقتصادی-اجتماعی، فقر، بی‌عدالتی، عدم وجود روابط قانونمند در مبادلات تجاری، دخالت عمال حکومتی در کار تجارت و...؛ یعنی بهره‌گیری از استدلال‌های زنجیره‌یی و عوامل مربوط به هم را ابزار تحلیل خود قرار داده و با آن گفتمانی را شکل می‌دهد.

۲. ۹. سایر مؤلفه‌های نوبآوری و نوجویی در اندیشه و آثار سدید

تجدد و نوجویی مانند هر پدیده اجتماعی دیگر در خلأ بوجود نمی‌آید و زیرمتن و پس‌کرانه‌های زیادی دارد؛ اما اگر بخواهیم حتی مهمترین آن را هم برشماریم در حوصله این مقاله نیست؛ ولی تا آنجایی که به دگرگونی در اندیشه سدید مربوط می‌شود، این موضوع تکانه‌یی است که ملت ایران در اواسط قاجاریه بر اثر رشد فزاینده کشورهای اروپایی در قیاس با عقب‌ماندگی خود متحمل شد. آشنایی با فرهنگ و تکنولوژی غرب، بخاطر مراد و حضور استعمارگران غربی در ایران، ورود صنعت چاپ و رشد مطبوعات - اعزام دانشجو به خارج از کشور - تأسیس مدرسه دارالفنون، رشد شهرنشینی، تبدیل تدریجی اقتصاد سنتی و خانوادگی به صنعتی و سوداگری و رشد بازار، توجه به آموزش عمومی و علم، جایگزینی خرد ناسوتی بجای خرد مطلق، رواج کثرت‌گرایی و تساهل و رواداری دینی و انعطاف و انصاف فکری، دولت و حاکمیت ملی، بخش اندکی از این مؤلفه‌هاست که نخبگان جامعه و از جمله سدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سدیدالسلطنه بخش زیادی از آثار خود را همزمان با دوره مظفرالدین شاه قاجار و اوج جنبش مشروطیت و تحولات پس از آن نوشته است. همچنین معاشرت و دوستی با شخصیت‌های آزادی‌خواه و متجدد و ملی‌گرا، باورداشت میهن‌دوستی و اعتلای ایران و ایرانی و تأکید مکرر بر برجسته‌کردن نام خلیج فارس در آثار علمی و ادبی او و نیز شعرهای فراوانی که با مضمون وطن‌خواهی و ایران‌دوستی و آزادی در کتاب جنگ شعری مشوش‌نامه ثبت کرده، دال بر اندیشه نوجویی و تجدد و ستیز با خودکامگی و انجماد فکری اوست.^۱ همه این عناصر

بندری بندرعباس و توابع به امامان مسقط را که یکی از دلایل عمده تباهی و افول بندرعباس بوده و سدید را سخت آزرده خاطر نشان کرده است، مینویسد:

در سلطنت زند چندان اولیای دولت ایران را توجه به بنادر جنوب اقصی نبود و بنادر آن نقاط چون عباسی و چابهار و... در تصرف امارات مسقط بود و امارات مزبوره بعنوان اینکه اطاعت و انقیاد دارند، هر سال به دربار تحف و هدایا فرستاده و درخطبه، اسم پادشاه ایران برده و شیوخ جزیره قشم گروگان در شیراز بوده و دولت ایران هم به همین قناعت داشت و روابط ایران و مسقط در امارت حمد بن سعد به همین ترتیب گذشت... (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۳۳هـ.ق: ۱۰۷).

این رابطه نامبارک که تا اواسط قاجاریه بتناوب ادامه داشته است و حاکمیت ارضی بخش وسیعی از هرمزگان را به مخاطره انداخته بود، بزرگترین شرمساری تاریخ را برای نخبگان منطقه و از جمله سدید فراهم می‌آورد؛ گرچه پدر و پدربزرگ سدید نیز در برخی از موارد واسطه ادامه چنین روابطی بوده‌اند؛ ولی سدید بارها بصورت ضمنی و آشکار عمال حکومت مرکزی ایران را بخاطر بی‌لیاقتی و پشت‌کردن به منافع ملی در خلیج فارس مورد نکوهش قرار داده و عواقب و نتایج منفی آن را بازگفته است.

نمونه دیگر از تاریخ‌نویسی اجتماعی و انتقادی سدید را در کتاب بندرعباس و خلیج فارس میتوانیم، مرور کنیم. کبابی درباره رابطه ناعادلانه تجاری و دخالت و زورگویی مأموران دولتی و تقلب واسطه‌ها و دلالات آنها در میناب مینویسد:

...قوافلی که از بشاگرد و رودان و بلوچستان وارد شود، شخص دلال که عامل دیوان است، قافله را در حیطة تصرف خود درآورد... دلال هرگونه تجار[خریداران محلی] مایلند، قیمت را با قافله گذرانیده و کاروان بیچاره قوه تخلف ندارند. از تفاوت وزن هم صرفه زیادی به دلال خواهد رسید. در آن صرفه هم کلاتر شریک است، علاوه از اینها هر سال دلال مبلغ معینی به کلاتر دهد. در حقیقت تجار آنجا را ممکن نیست در زمره تجار[شرافتمند] شمرده؛ چون با کمال وقاحت سرقه از بیچارگان یا در حقیقت یغما، شعار و افتخار خود کرده‌اند... (سدیدالسلطنه کبابی، ۱۳۴۲: ۵۴ و ۵۵).

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: حسن‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵۸۵-۵۸۶ و باباخانی، ۱۳۹۳: ۶۳؛ نقوی، ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۷

بسیاری از تضادها و اختلاف‌نظرها شد. جنبش اصلاح‌طلبانه مشروطیت با تمام ناسازواری خود، کم‌کم تأثیر مهمی را بر فرهنگ و جهان‌بینی جامعه ایرانی برجای نهاد که بازتاب آن را در ایدئولوژی نخبگان مشروطه به روشنی میتوان مشاهده کرد. سدیدالسلطنه کبابی، بدون تردید یکی از این نخبگان انگشت‌شمار ایران است که با آگاهی و هوشیاری مجموعه این اندیشه‌ها را از صافی درونی ذهن خود عبور داده و آنها را با شرایط بومی منطبق کرده و سپس بذر آن را در بیشتر آثار ادبی، فرهنگی و بویژه تاریخ‌نگاری نوین خلیج فارس پاشیده است.

او در حدود یک قرن پیش و سالها پیش از آنکه مراکز آموزشی آکادمیک در ایران شکل بگیرد، میراثی از خود بجای نهاد که امروز بدون شک میتواند منبع بسیاری از پژوهشهای علوم انسانی و تاریخ خلیج فارس در داخل و خارج ایران محسوب شود.

نخستین ویژگی نوشته‌های تاریخی سدید در مورد خلیج فارس توجه او به واقعگرایی و مشاهده عینی رویدادهای تاریخی و پرهیز از موهوم‌پرستی و واقعیت غیب است. این ویژگی کار سدید، نخستین شرط هرگونه پژوهندگی در هر شاخه‌ای از علم بشمار می‌آید و سدید این اصل را سرلوحه کار خود قرار داده است.

نقد علمی آثار پیشینیان، همراه با خردورزی و ژرف‌کاوی در رویدادهای پیرامون خود و گردآوری سیستماتیک اطلاعات و نقد مستند و مکتوب آنها، دقت و تیزبینی و اعتبارسنجی داده‌ها - مشاهده مستقیم متغیرهای تحقیق - تأکید بر بی‌طرفی پژوهشگر، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از پژوهش از شاخصه‌های اصلی تاریخ‌نگاری نوین و علمی است که سدید کمابیش آنها را در آثار خود رعایت نموده است.

از مؤلفه‌های دیگر نوباوری و نوجویی که بصورت غیرمستقیم در خلق آثار او دخالت داشته‌اند، اهمیت‌دادن به تفرد و «من» خویش است که یکی از ارکان فلسفه مدرن است. اهمیت‌دادن به روایت مکتوب فردگرایانه از زندگی، ساده‌نویسی و سخن‌گفتن از کم و کیف انسان عصر جدید و

از ملزومات و همراهان و همزادان تجدد و نوباوریند. مضاف بر اینکه سدید از دیگر شاخصه‌های اصلی فلسفه مدرن که همانا آزادیهای فردی- تفرد و گسترش عرصه‌های خصوصی و رشد و دگراندیشی در تفکر است و ما نمونه‌های آن را در کتاب *مشوش‌نامه* و به شیوه‌ی روشنتر در *سفرنامه* و بویژه در *یادداشت‌های روزانه* یا *دفتر خاطرات* او میتوانیم، ببینیم. در این بخش از نوشته‌های اوست که جایگزینی رسم کتابت، بجای سنت شفاهی و خاطره‌نویسی، بعنوان روایت مکتوب فردگرایانه از زندگی در کارهای سدید اهمیتی نو می‌یابد. این‌گونه دگرگشت در شیوه بیان و اوهام‌ستیزی و واقع‌گرایی ادبی، ساده‌نویسی و بی‌غش‌نویسی، گرایش به کوتاه‌نویسی و ایجاز، بهادادن به «من» خویش و سخن‌گفتن از دلهره و کم و کیف انسان عصر جدید از ملزومات دیگر تجدد است که از لابه‌لای *سفرنامه*، سربرآورده و پرده از راز درون او برمیکینند.^۱

خودشناسی تاریخی و اهمیت دادن به «خود»، بعنوان لحظه‌ی از یک فرآیند و داشتن روایتی از گذشته و تاریخ و تبدیل «زمان دایره‌ی» و چرخشی به «زمان خطی»^۲ که لازمه پیشرفت‌جویی است هم از ملزومات دیگر نوجویی و تجدد است که سدید ذهنیت خود را با آن مسلح کرده است. حذف و گزینش مطالب در آثار تاریخی و همچنین آثار ادبی او مانند *سفرنامه* که در آن کلام خالی از پیش‌داوری نبوده و صرفاً بیانی خنثی نیست، درجه‌ی است که رو به شناخت جهان نو و تفکر نوین در کارهای سدیدالسلطنه کبابی دارد.^۳

نتیجه‌گیری

سدید عصاره زمانه خود؛ یعنی عصر مشروطیت است. گفتمان ویژه این عصر، گفتمان ملی تجدد و نوسازی جامعه برای برون‌رفت از بن‌بست فقر اقتصادی و عقب‌ماندگی در تمامی عرصه‌های زندگی است. هرچند که این دگرسانی در فرهنگ جامعه جای نگرفت و در چارچوب فلسفی پیشین و قالبهای سنتی نبود؛ ولی با چاشنی افکار نوین همراه شد. در نتیجه، همزیستی ناآرام سنت و تجدد را بهمراه آورد و منشأ

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: میلانی، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۱۵

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲

۳. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: نقوی، ۱۳۹۳: ۲۵۶

۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی.

- باباخانی، مصطفی؛ مقدمه مصحح در مشوش نامه، تألیف سدیدالسلطنه کبابی به تصحیح مصطفی باباخانی، تهران: آرون، ۱۳۹۳.

- تقی زاده، سیدحسین؛ نشریه کاوه، سال دوم، شماره نهم، ۲۶ فروردین ماه، آلمان، برلین، ۱۲۹۱.ش.

- چایلد، گوردون؛ تاریخ، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: مازیار، ۱۳۵۴.

- حبیبی، حسن؛ گزیده مقالات و اخبار روزنامه های مهم درباره خلیج فارس، تهران: بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۷.

- حسن نژاد، زمانه؛ «گذری و نظری بر کتاب سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش (مغاص الثالی و منار الیالی)»، مجموعه مقالات پژوهشنامه خلیج فارس، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، دفتر سوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰ صص ۵۸۵-۵۹۷.

- حسینی، سیدعبداله؛ حسن نیا، محمد؛ سدیدالسلطنه و سواحل خلیج فارس، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.

- جنکینز، کیت؛ بازنندیشی تاریخ، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: آگه، ۱۳۸۷.

- روح بخشیان، ع؛ «ادعانهایی برای ثبت در تاریخ»، مجموعه مقالات مروارید خلیج فارس در بزرگداشت احمد اقتداری، به اهتمام میثم کریمی، تهران: نسخه، ۱۳۹۲، صص ۳۲۸-۳۳۹.

- زاهد، سید سعید؛ «ابن خلدون: اندیشه اسلامی یا سکولار»، مجموعه مقالات ابن خلدون و دنیای معاصر، تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸، صص ۳۲۷-۳۳۸.

- سازمان میراث فرهنگی هرمزگان؛ مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس ۹-۱۱ بهمن ۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی.

- سایبانی، احمد؛ «سیری در عقاید و افکار سدیدالسلطنه»، مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس، ۹-۱۰ بهمن ۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی

اضطراب و دلهره های او، خودشناسی تاریخی و تبدیل زمان چرخشی به زمان خطی و... همگی از مؤلفه های اصلی نوجویی و نوباوری سدید در تاریخ نویسی خلیج فارس است.

منابع کتاب

- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.

- احمدی، بابک؛ ساختار و هرمنوتیک، چاپ سوم، تهران: گام نو، ۱۳۸۳.

- _____؛ رساله تاریخ، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۶.

- آگامبن، جورجو؛ کودکی و تاریخ، ترجمه پویا امینی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۱.

- اسدپور، حمید؛ تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.

- افتخاریان، محمدحسین؛ «شرح احوال و خلاصه آثار سدیدالسلطنه»، مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس ۹-۱۰ بهمن ۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی و دانشگاه آزاد اسلامی.

- افشار، ایرج؛ مقدمه در سفرنامه سدید، تألیف محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی، تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: به نشر، ۱۳۶۲.

- _____؛ بازچاپ مجله های دیریاب در تقدم؛ زیر نظر احمد و عبدالرحمن فرامرزی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.

- _____؛ مقدمه در بندرعباس و خلیج فارس، تألیف محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی، به تصحیح احمد اقتداری، تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲، صص ۴-۱۵.

- اقتداری، احمد؛ سرآغاز در سفرنامه سدید، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: به نشر، ۱۳۶۲.

- _____؛ «سدیدالسلطنه بندرعباسی»، مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس ۹-۱۰ بهمن

- استان هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی.
- سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی؛ *مجموعه الظرایف*، نسخه خطی، مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره سند: ۹۴۶۴، بی تا.
- _____؛ *مجموعه النوادر*، نسخه خطی، مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره کتاب: ۹۳۷۴، ۱۳۱۴ ه.ق.
- _____؛ *مفاتیح الادب فی تاریخ العرب*، نسخه خطی، مرکز اسناد دانشگاه تهران، شماره کتاب: ۹۴۴۵، ۱۳۳۳ ه.ق.
- _____؛ *صید مروارید*، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۰۸.
- _____؛ *بندرعباس و خلیج فارس*، تصحیح، مقدمه و تحشیه، احمد اقتداری، چاپ اول، تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲.
- _____؛ *سفرنامه*، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران: بهنشر، ۱۳۶۲.
- _____؛ *سرزمینهای شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*، تحشیه و تعلیقات: احمد اقتداری، تهران: جهان معاصر، ۱۳۷۱.
- _____؛ *مشوش‌نامه*، به تصحیح مصطفی باباخانی، تهران: آرون، ۱۳۹۴.
- سیدباقری، سید کاظم؛ «تجربه ابن خلدون، افق‌گشای روش بومی»، *مجموعه مقالات ابن خلدون و دنیای معاصر*، تهران: تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۸، صص ۳۶۵-۳۸۸.
- فرامرزی، احمد و حسن؛ *تقدم، زیر نظر احمد و عبدالرحمن فرامرزی*، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- کاکس، سرپرسی؛ *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بایوز بریتانیا در بوشهر*، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: بنیاد ایرانشناسی، ۱۳۸۶.
- کالینگوود، رابین جورج؛ *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه علی اکبر مهدیان، چاپ دوم، تهران: کتاب آمه، ۱۳۸۷.
- مارتین، ونسا؛ *دوران قاجار*، ترجمه افسانه منفرد، تهران: آمه، ۱۳۸۹.
- محبی، عبدالصمد؛ «سدیدالسلطنه و تألیفات او»، *مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس*، ۹-۱۰ بهمن ۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی.
- ملک، احمد؛ «شرح حال و نقد آثار محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی»، *مجموعه مقالات پژوهشنامه خلیج فارس*، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، دفتر اول و دوم، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰، صص ۲۹۱-۲۹۸.
- میلانی، عباس؛ *تجدد و تجدیدستیزی در ایران*، چاپ سوم، تهران: اختران، ۱۳۸۱.
- نبوی، بهروز؛ *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، چاپ سوم، تهران: کتابخانه فروردین، ۱۳۵۰.
- نقوی، حسام الدین؛ *هویت ملی در ادبیات پیشین هرمزگان*، تهران: هفت رنگ، ۱۳۹۳.
- محمدباقر، وثوقی؛ *تاریخ خلیج فارس ممالک همجوار*، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
- _____؛ *تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس (ملوک هرمز)*، شیراز: دانشنامه فارس، ۱۳۸۲.
- معین، محمد؛ *فرهنگ یک جلدی فارسی*.
- یا حسینی، سیدقاسم؛ «نقش احمد اقتداری در احیای سدیدالسلطنه کبابی»، *مجموعه مقالات همایش سدیدالسلطنه و خلیج فارس*، ۹-۱۰ بهمن ۱۳۸۱، بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان و دانشگاه آزاد اسلامی.

پایان‌نامه

- زارعی، مصطفی؛ *بررسی احوال، آثار و سبک تاریخ‌نگاری محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی*، رساله کارشناسی ارشد (دانشگاه تهران) ۱۳۸۸.